

زندگینامه حضرت امام بخاری (رحمه الله)

✍️ قادر بخش ارجمندی

در جهان بشریت افراد و اشخاصی دیده می‌شوند که بنا بر محاسن و کمالات و فضایی که داشتند در تاریخ ثبت شدند و یادگارهای عظیمی بر جای گذاشتند. بیوگرافی آنها زنده و روشن و مزین شد، اما در میان آنها هم اشخاصی مشاهده می‌شوند که قابل مقایسه با دیگران نیستند بلکه آنها اشخاصی هستند که نه تاریخ آنها را زنده کرد و نه به آنها زینت بخشید. چون تاریخ نسبت به وسعت و عمق صلاحیت و خلاقیت آنان بسیار محدود بود زیرا آنها محسن و معمار بشر و تاریخ بشریت بودند دانشمندانی بودند که با نام و زندگی نامه خویش به تاریخ زندگی بخشیده چهره تاریخ را روشن و تاریخ با ثبت محاسن و کمالات آنان خودش را زینت بخشیده، از زندگی نوینی برخوردار شدند. شخصیت هایی بودند که ملل جهان را از خواب غفلت بیدار ساختند زیرا آنها در تمام عمرشان اصرار داشتند تنها چیزی که انسانیت و مسلمین را به هدف نزدیک می‌کند این است که رشد عقلی ملتها را تحریک کنند، چون خطرناک‌ترین عامل استعمارگران و ستم پیشگان عدم رشد اجتماعی و منطق صبر و سکوت و سازش در برابر ظلم، بدعت و تحمل ننگ و عار است.

با کمال تأسف ملت‌های اسلامی و ممالک مسلمین هنوز رشد فکری کامل ندارند، دوست را از دشمن تشخیص نمی‌دهند و شاید نسبت به دشمن مهربان‌تر باشند و از حوادث روزگار پند نمی‌گیرند، جنایت گذشتگان را فراموش می‌کنند به مطالب دینی و اجتماعی آگاه نیستند و در مسائل سیاسی کم اطلاع می‌باشند. آری همین نواقص است که مسلمانان را اسیر مفاسد فتنه انگیزان کرده و در هر میدان مسابقه‌ای آنان را مغلوب ساخته است. برخی ملتهای غیر مسلمان در عین این که از جهت روح و اخلاق معیوب‌اند در افکار سیاسی و مدنی به حد بلوغ و رشد رسیده‌اند ضرر و نفع خود را تشخیص می‌دهند، خدمتگزار و خیانتکار را می‌شناساند و منافق و

راستگو را تمیز می‌دهند. اگر نگاهی به تاریخ انداخته شود صفحه‌ای بسیار روشن و تابنده دیده می‌شود که با نور اسم امام بخاری منور است که ایشان آن نور را با تدوین کتاب جامع و صحیح بخاری اقتباس کرده رشد عقلی ملتها را بیدار ساخت و در تمام ذخایر علمی دنیای اسلام کتابی صحیح و جامع تر از آن منهای کلام الله دیده نمی‌شود. این مرد تاریخ ساز در عصر آخرین تاریخ را زنده کرد و به آن زینت بخشید با تحمل رنج بسیار و پشت سر گذاشتن تکالیف و مصائب با نیروی ایمان توکل، اخلاق و حُب عمیق به رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وسلم) و جذبه ترحم به امت محمدی در اقیانوس عمیق علوم و معارف نبوی غواصی نموده جواهرات ارزنده و خالص را از غیر آن شناسایی و پس از آن به مردم عصر خویش و آیندگان بعدی تا قیام قیامت تقدیم کرد. هم اکنون باید دانست که امام بخاری کیست؟

سالها باید که تا یک سنگ خارا از آفتاب

لعل باشد در بدخشان یا عقیق اندر یمن

نام و نسب امام بخاری:

اسم گرامی ایشان محمد، کنیه ابو عبدالله و با لقب امیر المؤمنین فی الحدیث ملقب می‌باشند سلسله نسب بدین شرح است؛ محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه جعفی، نسبت امام از یک خاندان اهل فارس (ایران) تعلق می‌گیرد آنهم از خانواده‌ای که در عهد و زمان حکومت خسروان ایران بر مقام و مناصب ممتاز و جلیل القدر فایز بودند. بردزبه جد پدر بزرگ ایشان پیرو مذهب مجوسی بود و با همان عقیده فوت شد، فرزند بردزبه مغیره اولین شخصی بود که توسط حاکم بخارا یمان جعفی مشرف به اسلام شد و در آن زمان هر شخصی که توسط کسی مشرف به اسلام می‌شد او را به قبیله‌اش نسبت

می دادند. به همین علت امام در نسب به جعفری شهرت یافت و گر نه نژادش به جعفری تعلق نمی گیرد، در خصوص والد بزرگوار ایشان حافظ ذهبی در «تاریخ الاسلام» نوشته اند که ایشان از میان علمای اتقیا، دانشمندی جید متحول و متورع بود. حافظ ابن حیان از کتاب الثقات نقل کرده است که از محدثین شهر طبقه چهارم می باشند. علامه قسطلانی به نقل از احمد بن حفص در خصوص تورع و پرهیزگاری ایشان می فرمایند که: من در حال نزاع و فوت ایشان حاضر شدم و شنیدم که می گفت خدا را سپاس می کنیم که از تمام سرمایه ام یک درهم مشکوک هم نیست.^(۱)

تاریخ ولادت:

اما بخاری در تاریخ ۱۳ شوال المکرم در سال ۱۹۴ ه در روز جمعه پس از نماز جمعه متولد شد،^(۲) زندگی گفت که در خاک پیدم همه عمر

تا از این گنبد دیرینه دری پیدا شد محل تولد ایشان شهر بخارا است که بنابه گفته علامه کرمانی مجمع الفقهاء، معدن الفضلاء، منشاء العلماء، قبة الایمان، کرسی ملوک بنی ساسان و از شهرهای زیبای بلاد اسلام بود، امام جسماً ضعیف و میانه قد بود.

دعای مستجاب، والد ایشان:

در «تاریخ بخارا» و «شرح السنة» چنین آمده که امام بخاری در ایام طفولیت و کودکی نابینا شده بودند که بر اثر نابینایی وی مادر بزرگوارش شدیداً در رنج و ناراحتی بسر می برد و با گریه و زاری و تضرع به پیشگاه احدیت در خصوص بینایی فرزندش دعا فرمود. یک شب حضرت ابراهیم (علیه السلام) را در عالم خواب دید که به وی خطاب کرده و فرمود: (صلی الله علیه وسلم) خداوند متعال بر اثر گریه و زاری شما و کثرت دعاها یثان به فرزندت بینایی عطا فرمود. صبح آن روز دید چشمان فرزندش روشن و بینا هستند، در ایام کودکی ایشان سایه پدرش از وی جدا گشت و ایشان فرزندی یتیم در آغوش پر مهر مادرش پرورش یافتند.

آغاز تحصیل و تعلیم:

تعلیم و تربیت ایشان از ابتدا با نگرانی مادرش صورت گرفت، در کودکی شدیداً به یاد گرفتن و حفظ حدیث اشتیاق داشتند. در سن ده سالگی اشتیاق تحصیل و دانش

ایشان را به سوی مراکز علمی جذب کرد و زمانی که اطلاع یافت که امام داخلی در بخارا جزء علما حدیث هستند در محضر ایشان رفت و آمد را آغاز کردند. در یکی از روزها امام داخلی طبق نوشته هایش حدیثی را برای شاگردان بیان کرد در اثنای درس از زبان وی خارج شد سفیان عن ابی الزبیر عن ابراهیم امام بخاری بالفور فرمودند که: «سماع ابوالزبیر از ابراهیم ثابت و صحیح نیست». امام داخلی بر اثر کودکی و کم سنی وی توجهی به سخنان وی نکرد. امام بخاری فرمود که به اصل نوشته ها و مکتوبات ملاحظه کنید وقتی که امام داخلی به مکان خویش تشریف بردند و اصل نوشته ها را ملاحظه نمودند پس از آن به امام بخاری گفتند: «بدون شک آنچه من گفتم غیر صحیح بود شما به گوید که چگونه صحیح است؟» امام بخاری فرمودند صحیح این است: «سفیان عن الزبیر بن عدی عن ابراهیم». امام داخلی تعجب کردند و فرمودند: «بدون شک چنین است». این مسئله زمانی به وقوع پیوست که سن امام یازده سال بود در سن شانزده سالگی تمام کتابهای عبدالله ابن المبارک را از بر و نوشته ها و کعب را حفظ نمود.^(۳)

زیارت حرمین:

پس از آن امام بخاری به همراه مادر و برادرش احمد به قصد حج به مکه معظمه تشریف بردند پس از انجام مراسم حج برادر وی و والده اش به وطن مراجعت کردند و خود امام بخاری به قصد طلب حدیث در حجاز ماندند.

سفر برای سماع حدیث و طلب فقه:

امام بخاری به قصد تحصیل و زیارت علما مسافرتها طولانی و زیادی انجام دادند و همیشه ناراحتی و سختی ها و مصیبتها را در این مورد تحمل نمودند. لکن اراده، مقاومت، عزم و اراده مستحکم و عالی ایشان اجازه نداد که آسایش و راحت جسمانی وی بر اشتیاق علمی وی غالب گردد تا این که به دنبال تحصیل این مصائب، آفتاب روشن آسمان علم و فضل قرار گرفت و با اشعه های نورانی اش تا قیامت دنیا را روشن می کند. قاضی ابن خلکان در تصنیف

۱- ظفر المحصلین ۹۳-۹۴

۲- ضر المحصلین ۹۴

۳- همان ص: ۹۵، و مکانة الصحیحین ص: ۲۱

دامن چادر خود را طوری گرفته بود که گویا در آن دانه وجود داشت وقتی که اسب چادر را دیده برگشت و محدث آن را به آسانی گرفت، امام بخاری با مشاهده این منظر از محدث پرسید: «آیا در دامن چادر دانه موجود بود؟» محدث گفت: «خیر، بلکه با این تدبیر هدفم برگرداندن اسب بود»، امام بخاری فرمود: «که من از شخصی که با حیوانات دروغ و فریب را روا دارد کسب حدیث نمی‌کنم»^(۱)

اساتید و شیوخ:

تعداد اساتید امام بخاری بسیاراند، گفته می‌شود که تعداد همه اساتید ایشان بیش از هزار می‌باشند. خود امام بخاری می‌فرماید: «من از هزار و هشتاد نفر حدیث شنیده و نوشته‌ام که همه آنها محدث بودند». و نیز فرمود: «من نمی‌نوشتیم مگر از کسی که می‌گفت: الایمان قول و عمل». گر چه در این مورد اطلاع دقیقی وجود ندارد که امام بخاری در ابتدا از کدام اساتید فن حدیث را فرا گرفته بود، اما تا این حد مسلم است که فضل و کمال ایشان رهین منت تدریس علی ابن المدینی و اسحاق بن راهویه بیش از دیگران است خلاصه این که امام بخاری اشتیاق علم این عالم را داشت که در شام، عراق، مصر، بغداد، خراسان و غیره هیچ محدثی نبود که از خرمن فیض وی خوشه چینی نکنند.

درس و تدریس:

امام بخاری در سن ۱۸ سالگی فاضل اجل قرار گرفت و شهرت و تبخر علمی ایشان به حدی عام شده بود که مردم از اقصای نقاط به قصد سمع حدیث در محضر ایشان حاضر می‌شدند و این زمان عنفوان شباب وی بود. پس از آن هر کجا که می‌رفت مردم به خاطر سمع حدیث هجوم می‌بردند. وقتی که ایشان به نیشابور رسید مشغول درس و تدریس شدند. علما و دانشمندان عصر در خدمت ایشان حاضر شدند به ویژه امام مسلم هر روز در خدمت ایشان حاضر می‌شد و از ایشان استفاده می‌برد. روزی از جامعیت علمی و کمالات وی متأثر شد، بی اختیار پیشانی وی را بوسید و گفت: «ای پادشاه حدیث به من اجازه بده که من

شهر خویش «وفیات الاعیان» چنین می‌فرمایند: «امام بخاری به قصد طلب حدیث دوبار به مصر و شام سفر کردند. در حجاز به طور متواتر شش سال قیام نمودند، در کوفه و بغداد که مسکن علما بود بارها سفر کرد، چهار مرتبه به بصره رفت و در بعضی از مراحل در ظرف پنج سال در بصره مقیم شدند صرفاً در ایام حج به قصد زیارت کعبه سفر می‌کرد و پس از فراغت دوباره به بصره می‌آمد. حافظ ابن حجر می‌فرماید: که آغاز سفر امام بخاری از سال ۲۱۰ هجری بود و ایشان جهت تحصیل علم حدیث و فقه سفرهای مختلف و طولانی را طی کردند و از فقها و محدثین بزرگ دانش اندوختند. هم چنین به بلخ رفت و جزء شاگردان مکی بن ابراهیم شد که شاگرد ویژه امام اعظم بود و از ایشان در صحیح خویش یازده حدیث ثلاثی روایت کرده‌اند. در بغداد نزد معلی بن منصور رفت که بنا به قول امام احمد شاگرد امام ابوحنیفه، امام ابویوسف و امام محمد بود، نیز شاگرد ویژه یحیی بن سعید القطان است که وی شاگرد امام اعظم می‌باشد هم چنین شاگرد امام احمد و علی بن المدینی شد. چنانچه در «صحیح بخاری» روایات زیادی از علی ابن المدینی وجود دارد در بصره جزء شاگردان ابو عاصم النبیل شد و از ایشان امام بخاری شش روایات عالی رتبه روایت کرده‌اند که ثلاثیات گفته می‌شوند. علاوه بر این، سه ثلاثیات دیگر از محمد بن عبدالله انصاری روایت کردند که بنا به تصریح خطیب بغدادی شاگرد صاحبین و اما ابوحنیفه بود. علاوه بر این در مرو از علی بن شقیق و غیره؛ در کوفه از عبید الله بن موسی و غیره؛ در مکه از ابو عبدالرحمن المقرئ و غیره؛ در مدینه از عبدالعزیز اویسی و غیره؛ در مصر از معبد بن مریم و غیره؛ در دمشق از ابو مسهر و غیره؛ در قیساریه از محمد بن ابویوسف فریابی در عسقلان از آدم بن ابی ایاس و غیره؛ در حمص از ابوالمغیره و غیره حدیث سماعت فرمودند. حافظ بن کثیر می‌فرماید که امام بخاری هشت مرتبه به بغداد رفتند و در هر مرتبه امام احمد بن حنبل به قیام وی در بغداد اصرار می‌کردند.

نهایت احتیاط در اخذ حدیث

صاحب «نزهة المجالس» نوشته‌اند: «یک مرتبه امام بخاری به خاطر طلب حدیث نزدیک محدث رفتند که اسب او (محدث) از دستش فرار کرده بود. محدث مذکور

عزت بوسیدن قدم شما را حاصل کنم». حاکم نیشابوری می‌نویسند: «امام با رسیدن به بصره برای معاصرین همانند باران رحمت بود و برای بازماندگان و انسانهای بعدی ذخیره تصانیف گران بهای خویش را در کتابخانه‌های مذهبی گذاشت. روزی در بصره هزاران تن از محدثین، فقها، و اهل مناظره در محضر امام بخاری جمع شدند. امام بخاری فرمودند: «ای علمای بصره، شما تقاضای بیان حدیث از من دارید و می‌خواهید آنها را بنویسید من علی الرأس و العین قبول کردم. لذا امروز من در حضور شما احادیثی مطرح می‌کنم که راویان آنها از شهر خود شما هستند اما شما از آنها آگاهی ندارید». حاضران با شنیدن این جملات بیش از حد متعجب شدند و مدت کوتاهی به وسعت علم امام بخاری پی بردند، و این در حالی بود که چشمشان به چهره مبارک امام بخاری دوخته شده بود و گوش‌هایشان مشتاق صدای ایشان بود تا از محضر او استفاده علمی ببرند. سپس امام بخاری احادیثی را که بیان فرمودند همه راویان آن اهل بصره بودند.^(۱)

رفقاء و شاگردان:

حلقه مستمعین و شاگردان امام بخاری بیش از حد وسیع بود. فربری می‌گوید: نود هزار نفر مستقیماً بدون واسطه از امام بخاری جامع صحیح را شنیده‌اند. در میان شاگردان ایشان علمای اعلام و محدثین جلیل‌القدر مشاهده می‌شوند: مثل حافظ ابو عیسی ترمذی، ابو عبدالرحمن نسائی، مسلم بن حجاج و غیره که از اراکین جلیل‌القدر ارکان سته حدیث می‌باشند. ابوذرعه، ابوحاتم بن خزیمه، محمد بن نصر مروزی، ابو عبدالله فربری و غیره نیز جزء شاگردان امام بخاری هستند که بعدها از جمله محدثین جلیل‌القدر قرار گرفتند.^(۲)

کامپیوتر یا حافظه فوق‌العاده:

امام بخاری بیش از حد قوی‌الحافظه و سریع‌الانتقال بود. هر حدیثی را که از معلم می‌شنید فوراً از بر یاد می‌گرفت. فیاض ازل حافظه عجیبی را به ایشان عطا فرموده بودند. مصنف «دائرة المعارف» در خصوص کمال حافظه امام بخاری نوشته‌اند که استحضار امام بخاری به حدی بود که حتی ائمه معاصر آن را یک کرامت می‌دانستند - می‌گویند که در کودکی حافظ هفتاد هزار حدیث بود، با یک نگاه کتاب در حافظه‌اش محفوظ

می‌شد. سلیمان ابن مجاهد از امام بخاری پرسید: «شما حافظ هفتاد هزار حدیث هستید؟» ایشان فرمودند: «من حافظ مرویات بیش از این تعداد هستم و افرادی که از صحابه و تابعین ضمن سند حدیث مذکور هستند تاریخ ولادت، محل تولد، محل اقامت و زندگینامه آنها را بالاخصار نیز می‌دانم، ضمناً احادیثی را که من نقل می‌کنم صحت و ثبوت آنها را از قرآن کریم و احادیث دیگری نیز می‌توانم ارایه دهم». حاشد بن اسماعیل که محدث هم عصر ایشان هستند می‌گویند که امام بخاری جهت طلب حدیث به همراهی من در خدمت اساتید وقت رفت و آمد داشت، اما جوهر و قلم همراه نداشت و چیزی نمی‌نوشت من به ایشان گفتم: «شما که حدیث را گوش می‌کنید و آنها را نمی‌نویسید رفت و آمد شما چه نفعی دارد؟» پس از شانزده روز امام بخاری به من گفت: «که شما دوستان و رفقای مرا مورد ایذا قرار داده‌اید، هم اکنون نوشته‌هایتان را بیاورید و با حافظه من تقابل دهید در این ایام ما پانزده هزار حدیث نوشته بودیم اما بخاری همه آن احادیث را با کمال صحت به گونه‌ای خواند که ما نوشته‌های خویش را با احادیث او صحیح قرار دادیم.» زمانی که به سمرقند تشریف بردند چهار صد دانشمند (عالم) جهت مغالطه انداختن امام تا هفت روز جلسه داشتند که در آن توافق گردید که اسناد و متون صد حدیث تغییر داده شود در نتیجه در اسناد و متون تغییر و تبدل فاحش ایجاد شد، بدین نحو که در میان محدثین عراق، یمنی، و در سلسله راویان شام، مصری، در میان روایان یمنی حجازی، و در روایات حجازی‌ها یمنی؛ ترکیب داده شدند به حدی که برای خودشان نیز در تنقید این احادیث دشواری به وجود آمد که آن احادیث به امام بخاری ارایه شد. با کمال آسانی در ظرف چند دقیقه متون و اسناد آنها را تصحیح کرد. زمانی که به بغداد تشریف بردند تبحر علمی بی‌نظیر وی فوراً شهرت پیدا کرد. محدثین بغداد جهت امتحان معیار حافظه ایشان متون و اسناد حدیث را تغییر داده و مرکب ساختند همانگونه که اهل سمرقند و ده نفر جهت ارایه این احادیث

۱- ظفر المحصلین ۹۶-۹۷-۹۸

۲- همان ۹۹

من مرگ شخص واحدی است و موت امام بخاری از بین رفتن علم است.»^(۷)

۷- عبدالله بن حماد آملی می‌فرماید: «اگر من یک تار موی جسم امام بخاری می‌بودم راضی می‌شدم.»^(۸)

۸- محمد بن بشار گفت: «حفاظ دنیا چهار نفرند، در ری ابوذرعه، در نیشابور مسلم بن حجاج، و در سمرقند عبدالله بن عبدالرحمن الدارمی و در بخاری محمد بن اسماعیل.»^(۹)

۹- امام احمد بن حنبل فرمود: «خراسان نظیر محمد بن اسماعیل را به وجود نیاورده.»^(۱۰)

استغنا و بی‌نیازی امام بخاری:

امام بخاری به علت دارا بودن جلالت علمی شدیداً مورد احترام امرای کشور قرار گرفت. اما ایشان هیچگاه سعی نمی‌کرد که همانند برخی علما و فضلاء دیگر از سخاوت حکام وقت و امرای قوم بهره‌ای بگیرد. طبع غیور و مستغنی ایشان هرگز ریزه خواری خوان کرم اهل ثروت را گوارا نمی‌کرد.^(۱۱)

تیر اندازی:

امام بخاری به تیر اندازی رغبت زیادی داشتند و در این فن نیز به حدی مهارت داشتند که در تمام عمرش صرفاً دو تیر وی اصابت نکرد امام بخاری با توجه به تمام این خوبیها

با این شرط مسئولیت قبول کردند که آنها را قرائت کرده نسبت به صحت و ضعف آنها نیز سؤال کنند خبر این جلسه و شورای محدثین بغداد علنی شد، در جلسه اهل بغداد و خراسانیها گروهی از مردم جمع شدند و افراد یکی پس از دیگری آن احادیث مختلف را در حضور امام بخاری قرائت کردند. امام بخاری پس از سمع هر حدیثی از آنها لا ادری گفته اظهار لا علمی فرمود زمانی که همه آنها احادیث را ارایه دادند، امام بخاری هر متن را به سند اصلی و سند را به متن اصلی اش ملحق نموده به ترتیب قرائت کرد. مردم در حیرت و تعجب فرو رفتند، حافظ ابن حجر می‌فرماید: تعجب در این نیست که صحیح و غلط را متمایز کرد، بلکه کمال در این است که به همان ترتیبی که مردم روایات را در شکلی غلط ارایه داده بودند آن را نیز با همان ترتیب اما در شکلی صحیح بیان فرمود.^(۱)

حسن اعتراف علمای اعلام:

در خصوص فضل و کمال امام بخاری دانشمندان بسیار بزرگ اعتراف کرده‌اند. برخی از آنها به عنوان نمونه ذیلاً می‌آید:

۱- یک مرتبه سلیمان بن حرب ایشان را دید و فرمودند: «هذا یكون له صیت». ایشان شهره آفاق می‌شوند احمد بن حفص نیز چنین گفته بودند.^(۲)

۲- قتیبه بن سعید می‌فرماید: «من نزد فقها، زهاد و عابدان نشسته‌ام، لکن از زمانی که به یاد دارم کسی را مثل بخاری ندیده‌ام، ایشان در عصر خویش شخصیتی بودند همانگونه که ما بین صحابه عمر فاروق (رضی الله عنه)^(۳)

۳- عبدالله ابن عبدالرحمن دارمی می‌گوید: «من علمای بی شمار عراق، شام، و حجاز را ندیده‌ام، لکن شخصی جامع مثل امام بخاری ندیده‌ام.»^(۴)

۴- امام الائمة ابوبکر محمد بن اسحاق بن خزیمه می‌فرماید: «ما تحت اديم السماء اعلم بالحديث من محمد بن اسماعیل» زیر سقف آسمان شخصی را آگاه‌تر از امام بخاری نسبت به حدیث ندیده‌ام.^(۵)

۵- امام ترمذی می‌فرماید: من شخصی را که در خصوص علل و اسانید از امام بخاری آگاه‌تر باشد ندیده‌ام.^(۶)

۶- یحیی بن جعفر می‌فرماید: «اگر من می‌توانستم عمرم را بر عمر امام بخاری بیفزایم حتماً می‌افزودم زیرا که مرگ

۱- ظفر المحصلین ۱۰۰ و مکانة الصحیحین ص: ۲۶ الدكتور

خلیل ابراهیم ملا خاطر

۲- ظفر المحصلین ص: ۱۰۱

۳- همان

۴- همان و مکانة الصحیحین ص: ۲۵

۵- همان، مکانة الصحیحین، ص: ۲۵

۶- همان و مکانة الصحیحین، ص: ۲۴

۷- همان و مکانة الصحیحین، ص: ۲۴

۸- همان و مکانة الصحیحین، ص: ۲۶

۹- مکانة الصحیحین، ص: ۲۲

۱۰- مکانة الصحیحین، ص: ۲۴، ظفر المحصلین، ص: ۱۰۱

۱۱- ظفر المحصلین، ص: ۱۰۲

و خصایل حمیده شاعر نیز بودند. (۱)

تصنیفات:

امام بخاری تصانیف متعددی به یادگار گذاشتند که فهرست آنها به شرح زیر می باشد.

- ۱- قضايا الصحابة و التابعين ۲- التاريخ الكبير ۳- التاريخ الاوسط ۴- التاريخ الصغير ۵- الجامع الكبير ۶- خلق افعال العباد ۷- المسند الكبير ۸- اسامی الصحابة ۹- كتاب العلل ۱۰- كتاب الفوائد ۱۱- كتاب الوجدان ۱۲- الادب المفرد ۱۳- كتاب الضعفاء ۱۴- كتاب المبسوط ۱۵- الجامع الصغير ۱۶- كتاب الرقاق ۱۷- بر الوالدين ۱۸- كتاب الاشربة ۱۹- كتاب الهبة ۲۰- كتاب الكنى ۲۰- التفسير الكبير ۲۲- جزء القراءة خلف الامام ۲۳- جزء رفع اليدين ۲۴- بدء المخلوقات ۲۵- الجامع الصحيح (۲)

جامع صحيح بخاری:

حافظ ابو نصر واثلى السجزي می فرمایند: فقها، دانشمندان و غیره بر این امر متفق اند که: اگر شخصی قسم زن طلاق بخورد که تمام آن چه در کتاب بخاری از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) روایت شده همه آنها بدون شک صحیح و مطابق قول پیامبر (صلی الله علیه وسلم) می باشند، حاث نمی شوند امام الحرمین نیز چنین گفته اند. (۳)

امام نووی می فرمایند: «امت محمدی بر صحت این دو کتاب (صحيح بخاری و صحيح مسلم) اجماع و اتفاق نموده و عمل به احادیث آن دو کتاب را واجب قرار داده اند.» (۴)

ابن تیمیه می فرمایند: «بعد از قرآن زیر سقف آسمان کتابی صحیح تر از بخاری و مسلم وجود ندارد.» (۵)

شاه ولی الله دهلوی نیز در مورد دو کتاب فوق این چنین اظهار نظر فرموده اند - ظاهر الجزائری می فرمایند: «برتری و مزیت صحیحین ثابت و مستحکم است همانند استحکام کوره های محکم» (۶)

در پایان من به قول و گفته های سید ابوالحسن علی ندوی (رحمه الله) در خصوص صحيح بخاری بسنده می کنم ایشان می فرمایند: «و هي غاية ما يصل اليه الذكاء و يبلغ اليه الخيال في التحقيق و التدقيق، و التجزية و التحليل، و الشرح و التفصيل؛ و غاية ما عرف من الاعتناء بكتاب لمؤلف من مولف العالم، و لا إنسان في تاريخ التأليف و التصنيف و في تاريخ العلم، عبر القرون و الاجيال، عبر الحدود و الثغور، فلو زعم

زاعم أو ادعى مدع انه لم يعتن بكتاب بشري في اعي ملة و ديانة، و في اي لغة و ادب، و في اي موضوع و مقصد، و في اي عصر من العصور، مثل ما اعتنى بالجامع الصحيح للامام البخاري» (۷)

«لما كان مجازفة من القول و لا مبالغة في الدعوى، و لا إسرافاً في الحكم، و لكان لهذا القول و جاهة علمية و دلائل تاريخية، قائمة على استعراض طويل دقيق، محامد أمين للمكتبة العلمية العالمية، و نتایج العقول و الاقلام، و محصول القرائع و الهمم، من فجر التاريخ الى يوم الناس هذا.» (۸)

همانگونه که حکایت عمر امام بخاری حکایت رنج است حکایت آخر عمر و حادثه وفاتش نیز حکایت رنج است امام بخاری در شب عيد الفطر (۲۵۶هـ) جهان فانی را در حال تحمل رنج و مشقاتی که در این مختصر نمی گنجد الوداع گفت، روحش برای همیشه از ناحیه امت مسلمه خوش و شاد باد.

۱- ظفر المحصلين، ص: ۱۰۴

۲- ظفر المحصلين، ص: ۱۰۸

۳- مكانة الصحيحين، ص: ۵

۴- مرجع سابق

۵- مرجع سابق

۶- مرجع سابق

۷- اقبل عليه الناس درساً و تدريساً، شرحاً و تعليقاً، استدراكاً و تخريجاً، استنباطاً و استخراجاً، جزئياً و كلياً، لا يوجد له مثل في هذا الامر في اي كتاب بشري في اي أمة من الامم، و هذه حقيقة اعترف بها الاعداء و الاصدقاء.

۸- نظرات في الحديث للعلامة السيد ابي الحسن علي الحسني الندوي ص: ۵۰-۵۱